

کتاب دانیال — شماره پنجاه و نهم

آشکار سازی آخرین راز نبوی: گشایش نہایی و اوج گیرانہ بہ وسیلہ شیر سبط یہودا

Jeff Pippenger

2024-01-23

درست پیش از بستہ شدن زمان امتحان، آخرین راز نبوی بہ وسیلہ شیر سبط یہودا گشودہ می شود، و این حکیمان اند کہ افزایش معرفتی را کہ از آن گشودہ شدن پدید می آید، درمی یابند. دو شاهد در مکاشفہ بر بخشی از آنچه در آن زمان گشودہ می شود، نوری می افکنند.

اینجا حکمت است. ہر کہ فہم دارد، عدد وحش را بشمارد؛ زیرا کہ آن عدد انسانی است؛ و عدد او ششصد و شصت و شش است. ... و در اینجا ست ذہنی کہ حکمت دارد. آن ہفت سر، ہفت کواہند کہ زن بر آنها نشستہ است. مکاشفہ 13:18، 17:9.

«آخرین قدرتی کہ قرار است علیہ کلیسا و شریعت خدا جنگ کند و با حیوانی دارای شاخہایی همچون برہ نمادپردازی شدہ بود»، ایالات متحدہ است. این، ششمین مملکت نبوت کتاب مقدس است، و ساختار مملکت آن همان ساختار (صورت) پنجمین مملکت نبوت کتاب مقدس است. این کشور بہ مملکتی بدل می شود کہ در آن کلیسا بر دولت حکومت می کند، و سپس سراسر زمین را وادار می سازد کہ همان ترتیب را بپذیرد. پیوند کلیسا و دولت در ایالات متحدہ، با قانون یکشنبہ ای کہ بہ زودی خواہد آمد، بہ طور کامل تحقق می یابد.

«تصویر حیوان» نمایانگر آن صورت پروتستانیسزم مرتد است کہ ہنگامی پدید خواہد آمد کہ کلیسای پروتستان برای اجرای اجباری اصول اعتقادی خود در پی یاری قدرت مدنی برآیند. «نشان حیوان» هنوز باقی است تا تعریف شود. جدال عظیم، 445.

تصویر درندہ اور درندہ کا نشان دو مختلف علامات ہیں، تاہم اتوار کے قانون ہی پر درندہ کی تصویر اپنی کامل ترقی کو پہنچتی ہے۔

اعمال یکشنبہ نگہ داری از سوی کلیسای پروتستان، اعمال پرستش پاپیت است—یعنی وحش. آنان کہ با درک مطالبات فرمان چہارم، برمی گزینند کہ بہ جای سبت حقیقی، سبت کاذب را نگاہ دارند، بدین سان بہ آن قدرتی ادای حرمت می کنند کہ تنها بہ واسطہ آن این امر فرمان دادہ شدہ است. اما کلیساہا، درست در همان عمل تحمیل یک تکلیف دینی بہ وسیلہ قدرت مدنی، خود برای وحش تمثالی خواہند ساخت؛ از این رو، اعمال یکشنبہ نگہ داری در ایالات متحدہ، اعمال پرستش وحش و تمثال او خواہد بود. جدال عظیم، ۴۴۸، ۴۴۹.

در ہنگام قانون یکشنبہ، قانون اساسی ایالات متحدہ بہ طور کامل سرنگون می شود و آن ملت بہ تمامی از پارسایی جدا می گردد. سپس، تحت سلطہ کامل شیطان، ایالات متحدہ جہان را وادار می سازد تا همان نظام کلیسا و دولت را کہ بہ تازگی در ایالات متحدہ برقرار شدہ است، بپذیرد. حکومت جہانی، سازمان ملل متحد است و کلیسای روم، همان کلیسایی است کہ بر این رابطہ حکم می راند.

«دنیا از طوفان و جنگ و نزاع آکنده است. با این حال، مردم زیر یک سر—قدرت پاپی—برای مخالفت با خدا در شخص شاہدان او متحد خواہند شد.» شہادت ہا، جلد ۷، ۱۸۲.

وہ کلیسیا اور ریاست کا نظام جو نبوت میں حیوان کی تصویر کے طور پر پیش کیا گیا ہے، اژدہا، حیوان اور جھوٹے نبی کے سہ فریقی اتحاد کی صورت بھی ہے۔ مکاشفہ سترہ کے دس بادشاہ، جو ساتواں سر

ہیں، اژدہائی قوت کی نمائندگی کرتے ہیں۔

»پادشاہان و حاکمان و فرمانداران، نشانِ ضدِ مسیح را بر خویشتن نهاده‌اند، و به صورت اژدہایی به تصویر کشیده شده‌اند که می‌رود تا با مقدس‌ان جنگ کند—با آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را دارند.» Testimonies to Ministers, 38.

»ده پادشاه» نمایانگر سازمان ملل متحد هستند که دین آن روح‌گرایی است؛ و دین نبی کاذب، پروتستان‌تیسیم مرتد است؛ و دین وحش، کاتولیسیم است که در حقیقت چیزی جز روح‌گرایی پوشیده در جامه اقرار به مسیحیت نیست.

»به موجب فرمانی که تأسیس پاپیت را برخلاف شریعت خدا به اجرا گذارد، ملت ما خود را به طور کامل از عدالت جدا خواهد ساخت. هنگامی که پروتستان‌تیسیم دست خود را از فراز این شکاف دراز کند تا دست قدرت روم را بفشارد، هنگامی که از فراز این ورطه دست دراز کند تا با روح‌گرایی دست دهد، هنگامی که، تحت تأثیر این اتحاد سه‌گانه، کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را به عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری خواه مردود شمارد و برای گسترش دروغ‌ها و فریب‌های پاپی زمینه فراهم سازد، آنگاه خواهیم دانست که زمان عمل شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۴۵۱.

در هنگام قانون یکشنبه، اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب به انجام می‌رسد. ایالات متحده سپس جهان را وادار می‌سازد که حکومت تک‌جهانی سازمان ملل متحد را بپذیرد، زیرا در پی قانون یکشنبه، جهان در بحرانی عظیم افکنده می‌شود، آنگاه که اسلام به سبب تحمیل پرستش خورشید، دآوری را بر ایالات متحده جاری می‌سازد. سپس شیطان ظاهر می‌شود تا خود را به جای مسیح بنمایاند، و همان‌گونه که ایالات متحده جهان را مجبور می‌سازد که ترکیب تک‌جهانی کلیسا و دولت را بپذیرد، همچنین جهان را وامی‌دارد که یکشنبه را به عنوان روز استراحت بپذیرد. همان فرایند آزمون که در ایالات متحده واقع شده است، آنگاه بر سراسر جهان نیز وارد می‌شود.

»اقوام غیر امریکه کی مثال کی پیروی کریں گی۔ اگرچہ وہ پیش قدمی کرتی ہے، تاہم یہی بحران دنیا کے ہر حصے میں ہماری قوم پر بھی آ پڑے گا۔» Testimonies, volume 6, 395.

اصل این‌که ارتدادِ ملّی در پی خود ویرانی ملّی را به همراه می‌آورد، بر هر کشور هنگامی واقع می‌شود که روز خورشید را به عنوان روز عبادت بپذیرد. بحران فزاینده همان «یک ساعت» است که در آن ده پادشاه با پاپ، «مرد گناه»، سلطنت می‌کنند. آنان موافقت کردند که پادشاهی هفتم خود را به اقتدار پاپی بسپارند، زیرا به این باور هدایت می‌شوند که اقتدار اخلاقی پاپیت برای یکپارچه ساختن جهان در برابر جنگ فزاینده با اسلام ضروری است. در سال ۱۷۹۸، سازمان ملل متحد هنوز وارد صحنه تاریخ نشده بود.

اور وہ دس سینگ جو تُو نے دیکھے، دس بادشاہ ہیں، جنہوں نے ابھی تک بادشاہی نہیں پائی؛ لیکن وہ درندہ کے ساتھ ایک گھڑی کے لیے بادشاہوں کی مانند اختیار پاتے ہیں۔ یہ ایک ہی رائے رکھتے ہیں، اور اپنی قدرت اور اختیار درندہ کو دے دیتے ہیں۔ یہ برہ کے ساتھ جنگ کریں گے، اور برہ ان پر غالب آئے گا، کیونکہ وہ رب الارباب اور بادشاہوں کا بادشاہ ہے؛ اور جو اُس کے ساتھ ہیں وہ بلائے ہوئے، برگزیدہ، اور وفادار ہیں۔ مکاشفہ 12:17-14.

همان‌گونه که همواره در مورد پاپ چنین بوده است، پادشاہان قدرت لازم را برای پاپیت فراهم خواهند کرد تا آزار و جفا را بر ضد قوم خدا به اجرا درآورد، و این ده پادشاہ‌اند که با برہ جنگ می‌کنند، اما این کار را به تحریک «مرد گناه» انجام می‌دهند. «مرد گناه» همان «مردی» نیز هست که هفت کلیسا در فصل چهارم کتاب اشعیا به او تمسک می‌جویند.

و در آن روز، هفت زن به یک مرد چنگ خواهند زد و خواهند گفت: «نان خود را خواهیم خورد و جامه خود را خواهیم پوشید؛ فقط بگذار به نام تو خوانده شویم تا ننگ ما برداشته شود.» در آن روز، شاخه خداوند زیبا و جلال آفرین خواهد بود، و ثمره زمین برای بازماندگان اسرائیل نیکو و دلپسند خواهد بود. اشعیا ۴۰:۱، ۲

”سات عورتیں“ اس بات کی نمائندگی کرتی ہیں کہ پاپائیت (گناہ کا آدمی) زمین کی تمام کلیسیاؤں پر اختیار رکھتی ہے، جس طرح وہ تمام اقوام پر بھی اختیار رکھتی ہے۔ جس ”ملا مت“ سے کلیسیائیں بچنا چاہتی ہیں، وہ اتوار کے دن عبادت کرنے کے مطالبہ کو رد کرنے کی ”ملا مت“ ہے۔ وفادار سبت ماننے والے اپنی وفاداری کے سبب ایذا دیے جائیں گے، اور اسلام بھی سورج کے دن کو ماننے سے انکار کرے گا۔ وہ معاہدہ جو ریاست ہائے متحدہ پاپائیت اور اقوام متحدہ کے درمیان ترتیب دیتی ہے، یہ ہے کہ گناہ کے آدمی کی اخلاقی اتھارٹی ہی وہ چیز ہے جو دنیا کو اسلام کے خلاف جنگ کو قبول کرنے کی طرف لے جانے کے لیے درکار ہے تاکہ زمین پر امن قائم کیا جا سکے۔

لیکن اوقات اور زمانوں کے بارے میں، اے بھائیو، تمہیں اس کی کچھ حاجت نہیں کہ میں تمہیں لکھوں۔ کیونکہ تم خود بخوبی جانتے ہو کہ خداوند کا دن اسی طرح آتا ہے جیسے رات کو چور۔ کیونکہ جب وہ کہیں گے، سلامتی اور امن ہے؛ تو اُس وقت ناگہانی ہلاکت اُن پر آ پڑے گی، جیسے درد زہ حاملہ عورت کو؛ اور وہ ہرگز نہ بچیں گے۔ لیکن اے بھائیو، تم تاریکی میں نہیں ہو کہ وہ دن تم پر چور کی مانند آ پڑے۔ تم سب نور کے فرزند ہو اور دن کے فرزند: ہم نہ رات کے ہیں نہ تاریکی کے۔ 1 تھسلونیکیوں 5:1-5۔

پیام «صلح و امان» در نبوت کتاب مقدس، کہ ہموارہ بہ عنوان پیامی کاذب تصویر می شود، تنها در دورہ ای از زمان منطقی است کہ در آن صلح و امان وجود نداشته باشد۔ ہنگامی کہ صلح و امان برقرار است، ہیچ دلیلی برای عرضه پیام «صلح و امان» وجود ندارد۔ اسلام ہرگونہ صلح و امان را از میان برمی دارد۔ «ہلاکت ناگہانی» مرتبط با آن پیام کاذب، ہلاکتی است کہ شدت می گیرد، زیرا ہمچون «زنی» در «درد زایمان» است۔ نخستین درد زایمان وای سوم، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود۔

در خطوط نبوی ایلیا و یحیای تعمید دہندہ، فریب قدرت پاپی بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ ہنگامی کہ اخاب بہ سامرہ بازگشت تا بہ ایزابل اطلاع دہد کہ خدای ایلیا خدای حقیقی است، زیرا از آسمان آتش فرو فرستادہ بود، آنگاہ اخاب دریافت کہ ایزابل دربارہ نفرتش نسبت بہ ایلیا او را فریب دادہ است۔ ہمین نفرت و فریب نیز آنگاہ بہ تصویر کشیدہ شد کہ ہیرودیس در جشن زادروزش بہ سالومہ وعدہ نیمی از پادشاہی خود را داد۔ سالومہ دختر ہیرودیا بود؛ ازاین رو ہیرودیس اژدہا بود، ہیرودیا پاپیت بود، و سالومہ نبی کاذب بود۔

در این حکایت، قدرت فریبنده رقص سالومہ بہ کار گرفتہ شد تا ہیرودیس (دہ پادشاہ) را برانگیزد کہ نیمی از پادشاہی خود را بہ کلیسای (زنی) واگذارد۔ آن زن (سالومہ) تحت ہدایت مادر خود (کاتولیسیم) بود، و ہیرودیس بسیار دیر دریافت کہ نگرش ہیرودیا نسبت بہ یوحنا همان بود کہ ایزابل نسبت بہ ایلیا داشت۔ در ہر دو مورد، نگاہ داران سبت باید بمیرند۔

اسلام بہ تدریج، اما با شتاب، صلح و امنیت را از سیارہ زمین می زداید و بدین سان بشر را علیہ اسلام متحد می سازد۔ جنگ افروزی بہ سرعت فزاینده اسلام، مبین همان استدلالی است کہ برای برپا ساختن تصویر جہانی وحش در ایام آخر بہ کار گرفتہ می شود۔ فریبی کہ بر جہان (دہ پادشاہ) آورده می شود، بہ وسیلہ ایالات متحدہ (سالومہ) آورده می شود، و جہان را بہ این باور می کشاند کہ باید علیہ اسلام متحد شوند؛ اما بسیار دیر درمی یابند کہ آن ترتیب جز نیرنگی نبود تا برای آزار نگاہ داران سبت بہ کار رود۔ این فریب بخشی از علت آن است کہ دہ پادشاہ از فاحشہ نفرت دارند، ہرچند ہنگامی کہ تحت فشار بودند، موافقت کردند کہ پادشاہی ہفتم خود را بہ او بسپارند۔

و آن ده شاخی که بر آن وحش دیدی، از فاحشه نفرت خواهند داشت، و او را ویران و عریان خواهند ساخت، و گوشتش را خواهند خورد، و او را به آتش خواهند سوزانید. زیرا خدا در دل‌های ایشان نهاده است که اراده او را به‌جا آورند، و هم‌داستان شوند، و پادشاهی خود را به آن وحش بسپارند، تا کلام‌های خدا به انجام رسد. مکاشفه 17:16، 17.

گلوبالیست‌های سازمان ملل متحد صرفاً «پادشاهان» زمین نیستند، بلکه به‌عنوان «تاجران» نیز به تصویر کشیده شده‌اند؛ از این‌رو، گلوبالیست‌ها از قدرت‌های سیاسی و اقتصادی تشکیل می‌شوند. دلیل آن که فرشته‌ای که رؤیای مکاشفه هفده و هجده را برای یوحنا آورد، این بود که داوری فاحشه عظیم صور را به یوحنا نشان دهد. هر دو دسته گلوبالیست‌ها بر مرگ پاپیت سوگواری می‌کنند.

از این‌رو بلاهای او در یک روز خواهد آمد: مرگ و ماتم و قحطی؛ و او به‌کلی به آتش سوخته خواهد شد، زیرا نیرومند است خداوند خدا که او را داوری می‌کند. و پادشاهان زمین، که با او زنا کرده و در عیش و عشرت با او زیسته‌اند، چون دود سوختن او را ببینند، برای او خواهند گریست و نوحه خواهند کرد؛ و از بیم عذاب او دور ایستاده، خواهند گفت: وای، وای بر آن شهر عظیم، بابل، آن شهر زورآور! زیرا داوری تو در یک ساعت فرارسید. و بازرگانان زمین بر او خواهند گریست و ماتم خواهند گرفت، زیرا دیگر هیچ‌کس کالاهای ایشان را نمی‌خرد. مکاشفه 18:8-11.

تاجران و پادشاهان هر دو از دور می‌ایستند و فریاد می‌زنند: «وای، وای.» واژه «alas» در زبان یونانی، در باب هشتم مکاشفه، به «وای» ترجمه شده است.

و دیدم و شنیدم فرشته‌ای را که در میان آسمان پرواز می‌کرد و به آواز بلند می‌گفت: وای، وای، وای بر ساکنان زمین، از سبب دیگر صداهای کرناهای آن سه فرشته‌ای که هنوز باید بنوازند! مکاشفه ۸:۱۳.

سه وای نمایانگر شیپورهای پنجم، ششم و هفتم‌اند، و نمادهای اسلام هستند. پادشاهان، بازرگانان و ناخدایان کشتی همگی در باب هجدهم سه بار فریاد برمی‌آورند: «وای، وای.»

و پادشاهان زمین که با او زنا کرده و با او به عیش و تنعم زیسته‌اند، چون دود سوختن او را ببینند، بر او خواهند گریست و برایش نوحه خواهند کرد؛ و از بیم عذاب او دور ایستاده، خواهند گفت: وای، وای، بر آن شهر عظیم بابل، آن شهر نیرومند! زیرا در یک ساعت، داوری تو فرارسید. ... بازرگانان این چیزها، که از او دولتمند شده بودند، از بیم عذاب او دور خواهند ایستاد، در حالی که می‌گریند و ماتم می‌کنند، و می‌گویند: وای، وای، بر آن شهر عظیم، که به کتان لطیف و ارغوان و قرمز روشن ملبس بود، و به طلا و سنگ‌های گرانبها و مرواریدها آراسته شده بود! زیرا در یک ساعت، این همه ثروت به نیستی گرایید. و هر ناخدا، و همه مسافران کشتی‌ها، و ملّاحان، و هر که به دریا تجارت می‌کند، دور ایستادند، و چون دود سوختن او را دیدند، فریاد برآوردند و گفتند: کدام شهر همانند این شهر عظیم است؟ و خاک بر سر خود ریختند و در حالی که می‌گریستند و ماتم می‌کردند، فریاد زده، گفتند: وای، وای، بر آن شهر عظیم، که به سبب نفاس آن، همه آنان که در دریا کشتی داشتند، دولتمند شدند! زیرا در یک ساعت، ویران گردید. مکاشفه 18:9-10، 15-19.

وہ "گھنٹہ" جس میں پاپائیت پر عدالت پوری کی جاتی ہے، مکاشفہ گیارہ کا وہی "گھنٹہ" ہے، یعنی "بڑے زلزلے کا گھنٹہ"، اور یہ اتوار کے قانون کی اسی مدت کی نمائندگی کرتا ہے جو ریاستہائے متحدہ میں اتوار کے قانون کے نفاذ سے شروع ہوتی ہے اور اس وقت تک جاری رہتی ہے جب تک میکائیل کھڑا نہ ہو اور انسانی مہلت آزمائش ختم نہ ہو جائے۔ وہ عالمگیر قوتیں جنہوں نے کسبی سے نفرت کی، لیکن پھر بھی ایک گھڑی کے لیے اپنی بادشاہی اُسے دینے پر متفق ہوئیں، نہ صرف "ہائے، ہائے" (افسوس، افسوس) تین بار دہراتی ہیں، بلکہ یہ سوال بھی کرتی ہیں: "اس بڑے شہر کی مانند کون سا شہر ہے؟" کتاب حزقی ایل میں بھی انہوں نے یہی سوال کیا تھا۔

و آواز خود را بر ضدّ تو بلند خواهند کرد، و به تلخی فریاد خواهند زد، و خاک بر سرهای خویش خواهند افشاند، و در میان خاکستر خواهند غلطید. و برای تو خویشتن را یکسره گل خواهند ساخت، و پلاس بر کمر خواهند بست، و برای تو با تلخی دل و نوحه‌ای جانکاه خواهند گریست. و در نوحه‌سرایی خویش برای تو مرثیه‌ای برخواهند گرفت، و بر تو ماتم خواهند کرد و خواهند گفت: کدام شهر مانند صور است، مانند آن که در میان دریا هلاک گردیده است؟ هنگامی که کالاهایت از دریاها بیرون می‌رفت، قوم‌های بسیار را سیر می‌کردی؛ و پادشاهان زمین را با فراوانی دولت و تجارت خویش توانگر می‌ساختی. اما در زمانی که به وسیله دریاها در اعماق آب‌ها شکسته شوی، تجارت تو و تمامی جماعتت که در میان تو هستند فرو خواهند افتاد. همه ساکنان جزایر از تو مبهوت خواهند شد، و پادشاهان ایشان سخت هراسان خواهند گشت، و چهره‌هایشان پریشان خواهد شد. تاجران در میان قوم‌ها بر تو سوت استهزا خواهند زد؛ تو مایه وحشت خواهی شد، و دیگر تا ابد نخواهی بود. حزقیال 27:30-36.

حزقی‌ایل این شهر را «صور» معرفی می‌کند، که «در میان دریا هلاک شده است؟» اشعیا، در سخن از فاحشه صور («طروس»)، که همان فاحشه عظیم مکاشفه نیز هست، که کلیسای کاتولیک است، او را همچنین به عنوان شهر تاج‌بخش معرفی می‌کند.

آیا این است آن شهر شادمان شما، که دیرینگی‌اش از روزگار باستان است؟ پاهای خود او وی را به دوردست خواهد برد تا در غربت اقامت گزیند. چه کسی این تدبیر را بر ضد صور، آن شهر تاج‌بخش، گرفته است؛ شهری که بازرگانانش شاهزادگان‌اند و سوداگرانش از شریفان زمین؟ بیهوش صباوت این را اراده فرموده است، تا غرور هر جلالی را بیالاید و همه شریفان زمین را به خواری کشاند. اشعیا 23:7-9

پاپائیت «شهر تاج‌گذار» است، زیرا این اوست که ادعا می‌کند همچون ملکه‌ای بر آن اتحاد سه‌گانه تکیه زده است.

به همان اندازه که خویشتن را جلال داده و به ناز و نعمت زیسته است، به همان اندازه به او عذاب و ماتم بدهید؛ زیرا در دل خود می‌گوید: «چون ملکه‌ای نشسته‌ام، و بیوه نیستم، و هرگز ماتم نخواهم دید.» مکاشفه ۱۸:۷

حزقی‌ئیل در مرثیه خود برای صور گفت که داوری آن فاحشه در «میان دریا» به انجام می‌رسد.

پھر مجھ پر خداوند کا کلام نازل ہوا کہ، اے ابن آدم، صور کے لیے نوحہ اُٹھا۔ ... ترسیس کے جہاز تیری منڈی میں تیرے گیت گاتے تھے؛ اور تُو سمندروں کے وسط میں معمور ہوئی اور نہایت جلالی بنی۔ تیرے ملاح تجھے بڑے پانیوں میں لے آئے؛ مشرقی ہوائے تجھے سمندروں کے وسط میں توڑ ڈالا۔ حزقی ایل 27:1، 2، 25، 26.

این «باد شرقی» است که داوری را بر فاحشه صور، شهر تاج‌بخش، می‌آورد، و «باد شرقی» نمادی از اسلام است. جنگی که از سوی ده پادشاه علیه اسلام برانگیخته می‌شود، همان است که پاپیت ایام آخر را نابود می‌سازد. همچنین، دریافت این حقیقت از سوی ده پادشاه که فریب خورده‌اند، در دل‌های ایشان نیز ترس پدید می‌آورد.

का राजा महान उस, पर्वत सयियों स्थिति ओर की उत्तर, आनंद का पृथ्वी समस्त, स्थिति उसकी खूबसूरत एक वे; हुए इकट्ठे राजा, देखो क्योंकि है। जाता जाना में रूप के शरणस्थान परमेश्वर में महलों उसके है। नगर ने भय वहाँ गए। भाग शीघ्र और, उठे घबरा वे; गए रह वसिंमति वे तब और, देखा उसे उन्होंने बढ़े। आगे साथ के तर्शीश से पवन पूर्वी तू को। स्त्री हुई तड़पती से परसववेदना जैसे, भी ने पीड़ा और, लयिा पकड़ उन्हें के परमेश्वर अपने, में नगर के यहोवा के सेनाओं हमने ही वैसा, था सुना हमने जैसा है। देता तोड़ को जहाजों के परमेश्वर। 48:2-8संहति भजन सेला। करेगा। स्थरि लिए के सर्वदा सदा उसे परमेश्वर: है देखा में नगर

جهانی‌گرایان به ملکوت خدا، آن‌گونه که در شهر اورشلیم نمود یافته است، نگرستند، اما «آن شهر عظیم» یعنی بابل را به عنوان سرخویش برگزیدند. هنگامی که خدا آن شهر عظیم را داوری می‌کند، آنان فریاد و ماتم سر می‌دهند، زیرا درمی‌یابند که هلاک شده‌اند؛ چون آن شهر عظیمی که برگزیده بودند، در میان دریا به واسطه جنگی که اسلام (باد شرقی) بر ایشان آورده است، درهم شکسته می‌شود. و این جنگ، جنگی است که پیوسته شدت می‌یابد، زیرا همچون زنی در حال درد زایمان است.

پادشاهی خدا که آنان آن را به خاطر پایتت مورد آزار و تعقیب قرار داده‌اند، در باب دوم دانیال به تصویر کشیده شده است؛ جایی که به ما اعلام می‌شود که در «ایام این پادشاهان [جهانی‌گرا]»، خداوند پادشاهی جاودانی خویش را برپا خواهد کرد.

Y en los días de estos reyes el Dios del cielo levantará un reino que no será jamás destruido; y el reino no será dejado a otro pueblo, sino que desmenuzará y consumirá a todos estos reinos, y permanecerá para siempre. Daniel 2:44

میلری‌ها بر این پاور بودند که در «ایام این پادشاهان» زندگی می‌کنند، اما ده پادشاه مکاشفه هفده هنوز وارد صحنه تاریخ نشده بودند؛ بلکه در حقیقت، تنها اکنون است که در حال پدیدار شدن‌اند. میلری‌ها درست می‌گفتند، اما رؤیای ایشان محدود بود. ملکوت خدا که در ایام پادشاهان مکاشفه هفده و هجده برپا می‌شود، همان دوره زمانی باران آخر است.

«دیدم که همه‌چیز با شدت تمام در انتظار است و اندیشه‌های خود را به سوی بحران قریب‌الوقوعی که در پیش روی ایشان است، کشیده است. گناهان اسرائیل باید پیش از آن به داوری برده شود. هر گناه باید در قدس اعتراف گردد، آنگاه کار پیش خواهد رفت. این کار باید اکنون انجام شود. باقی‌ماندگان در زمان تنگی فریاد خواهند زد: خدای من، خدای من، چرا مرا واگذاشته‌ای؟»

“باران آخر بر آنان که پاک هستند نازل می‌شود—آنگاه همه آن را همچون سابق دریافت خواهند کرد.”

«آنگاه که آن چهار فرشته رها کنند، مسیح پادشاهی خویش را برپا خواهد ساخت. هیچ‌کس باران آخر را دریافت نخواهد کرد مگر آنان که هر آنچه را در توان دارند انجام می‌دهند. مسیح ما را یاری خواهد کرد. همه می‌توانند به وسیله فیض خدا و از طریق خون عیسی غالب شوند. تمامی آسمان به این کار علاقه‌مند است. فرشتگان نیز علاقه‌مندند.» Spalding and Magan, 3.

در زمان باران آخر، هنگامی که فرشتگان چهار باد را رها می‌کنند، در «ایام این پادشاهان» مسیح پادشاهی خویش را برپا می‌سازد. باران آخر تدریجی است، و آغاز باریدن آن در 11 سپتامبر 2001 بود، هنگامی که وای سوم وارد تاریخ شد، اما خشمگین شدن امت‌ها بی‌درنگ مهار گردید. شدت آن پیوسته افزایش می‌یابد تا هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده، که آن را موجب ویرانی ملی می‌گرداند. سپس آن داوری فزاینده ادامه می‌یابد، زیرا هر ملت دیگری از نمونه ایالات متحده پیروی می‌کند، و از این‌رو همان داوری‌ها را متحمل می‌شود. این شدت یافتن تا پایان مهلت فیض ادامه می‌یابد. این روند همچون زنی در حال زایمان پیش می‌رود.

در مقاله بعدی، بررسی هشتمین آن هفت را ادامه خواهیم داد.

«تا زمانی که کسانی که به حق اعتراف می‌کنند در خدمت شیطان باشند، سایه دوزخی او دیدگاه آنان را نسبت به خدا و آسمان خواهد پوشاند. آنان همچون کسانی خواهند بود که محبت نخستین خود را از دست داده‌اند. ایشان قادر نخواهند بود واقعیات ابدی را مشاهده کنند. آنچه خدا برای ما

مهیا ساخته است، در زکریا، باب‌های ۳ و ۴، و ۱۲:۴-۱۴ چنین به تصویر کشیده شده است: "و بار دیگر پاسخ داده، به او گفتم: این دو شاخهٔ زیتون که از طریق دو لولهٔ زرین، روغن طلایی را از خود جاری می‌سازند، چیستند؟ و او در پاسخ به من گفت: آیا نمی‌دانی اینها چیستند؟ و گفتم: نه، ای سرورم. پس گفت: اینان آن دو مسح‌شده‌اند که در حضور خداوند تمامی زمین می‌ایستند."»

«خداوند سرشار از امکانات است. او هیچ کمبودی در وسایل ندارد. این به سبب کمبود ایمان ما، نیازدگی ما، سخنان سست و بی‌ارزش ما، و بی‌ایمانی ماست که در گفتارمان آشکار می‌شود، که سایه‌های تاریک بر گرد ما گرد می‌آیند. مسیح در کلام یا منش آشکار نمی‌گردد به‌عنوان آن یگانه سراپا دل‌انگیز و ممتازتر از ده‌هزار. هنگامی که جان خشنود است که خود را به سوی بطالت برافرازد، روح خداوند برای آن اندک کاری می‌تواند انجام دهد. دید کوتاه‌بین ما سایه را می‌بیند، اما جلال آن‌سوتر را نمی‌تواند ببیند. فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند، که به اسبی خشمگین تشبیه شده است که می‌کوشد رها شود و بر سراسر روی زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ به بار آورد.»

«آیا بر لبهٔ همان جهان جاودان به خواب رویم؟ آیا کُند و سرد و مرده باشیم؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود، تا بر پای‌های خود بایستند و زنده گردند. ما نیاز داریم ببینیم که راه تنگ است و دروازه باریک. اما هنگامی که از آن دروازهٔ تنگ می‌گذریم، فراخی آن را حدی نیست.» Manuscript Releases, volume 20, 217.